



دانشگاه قم

دانشکده حقوق

«پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل»

عنوان:

حق حیات کودک از نگاه اسلام و اسناد بین المللی

استاد راهنما:

دکتر نسرین مصفا

استاد مشاور:

دکتر علی مشهدی

نگارنده:

ندا نیکنامی

زمستان ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

خالق بی‌همتا که موهبت عظیم حیات را بی‌هیچ منتی به بشر ارزانی داشت؛
روح دایی عزیزم (محمد حسن نوری) که در مسیر تحقق عدالت و دادستانی به درجه
رفیع شهادت نائل شدند

و

تمام کودکان معصومی که وجودشان مایه حیات بشر است.

تقدیر و تشکر:

با تقدیر و تشکر بسیار از استاد فرهیخته و فرزانه سرکارخانم دکتر نسرین مصفا که با نکته‌ها و بیانات ارزشمندشان، همواره راهنما و راه‌گشای بنده در اتمام پایان‌نامه بودند.

با سپاس فراوان از استاد گرامی جناب آقای دکتر علی مشهدی که در طول مدت نگارش پایان‌نامه از رهنمودهای علمی و اخلاقی ایشان بهره‌مند شدم و درگاه خداوند بزرگ را شاکرم که افتخار شاگردی ایشان را نصیبم نمود.

با تشکر فراوان از خانواده مهربانم، که اگر در زندگی موفقیتی بوده، از حمایت‌های بی‌دریغ و دعا‌های پرخیر ایشان است.

چکیده

حق حیات اولین و بنیادی‌ترین حق هر انسانی است که به جهت توقف دیگر حقوق بشر به وجود آن، عنوان «حق برتر» را از آن خود نموده است. از آنجا که کودکان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه هستند، حمایت از حقوق آنان و در راس آن‌ها حق حیات دارای اهمیت بسیار بوده و باید در جهت رعایت و تامین آن تلاش لازم را مبذول داشت. در واقع حق حیات کودک، حق غیر قابل تعلیقی است که هم در زمان صلح لازم‌الرعایه است و هم در زمان جنگ. این حق تعهدی دو گانه را بر دولت‌ها بار می‌کند. بعد منفی آن، خودداری از سلب خودسرانه حیات کودک و بعد مثبت آن، اتخاذ اقدامات مثبت به منظور حفظ و صیانت از حیات کودک را در بر می‌گردد. این حق با حقوق دیگری از قبیل حق آزادی از گرسنگی و برخورداری از حداقل‌های معیشتی حمایتی و حق بر بهداشت دارای پیوند می‌باشد، که بدون تأمین این حقوق، حق حیات کودک تامین شده تلقی نمی‌شود. مضافاً این که با تسری دامنه کودکی به قبل از تولد، حق حیات با عدم اسقاط جنین و در دوران کودکی با منع اعدام کودک ملازمه دارد. حق حیات کودک از سوی تمامی مکاتب و نظام‌های حقوقی دنیا از قبیل نظام حقوقی اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت می‌باشد. با وجود این گاهی به نظر می‌رسد که افتراق‌ها و یا سوء برداشت‌هایی میان دیدگاه این دو نظام بویژه در رابطه با اعدام کودک وجود دارد که باید با بررسی و مذاقه در موازین و مقررات مندرج در آن‌ها، در راستای حمایت افزون‌تر از حق حیات کودک گام برداشت. لذا لزوم شناسایی جایگاه آن در دین مبین اسلام و اسناد بین‌المللی به خوبی احساس می‌گردد.

واژگان کلیدی: کودک، حق حیات، مخاصمات مسلحانه، سقط جنین، اعدام.

فهرست اجمالی مطالب

| صفحه | عنوان |
|-----------|---|
| ۱ | مقدمه |
| ۱ | الف- تبیین مسئله |
| ۴ | ب- سؤالات تحقیق |
| ۴ | ج- فروض حاکم بر تحقیق |
| ۵ | د- اهداف و ضرورت انجام تحقیق |
| ۵ | ه- سابقه و پیشینه مطالعاتی تحقیق |
| ۶ | و- روش انجام تحقیق |
| ۷ | ز- ساختار کلی تحقیق |
| ۸ | بخش اول: حقوق مرتبط با حق حیات کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی |
| | فصل اول: حق بر رهایی از گرسنگی و تأمین حداقل‌های معیشتی کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی |
| ۹ | مبحث اول: حق تغذیه کودک در اسلام |
| ۱۰ | گفتار اول: حق نفقه |
| ۱۴ | گفتار دوم: حق رضاع |
| ۱۷ | گفتار سوم: اسناد مصوب کشورهای اسلامی |
| ۱۷ | مبحث دوم: حق بر رهایی از گرسنگی و تأمین حداقل‌های معیشتی در اسناد بین المللی |
| ۱۸ | گفتار اول: اسناد جهانی |
| ۲۵ | گفتار دوم: اسناد منطقه‌ای |
| ۲۸ | فصل دوم: حق بر بهداشت کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی |
| ۳۰ | مبحث اول: حق بهداشت کودک در اسلام |
| ۳۱ | گفتار اول: اسناد مصوب کشورهای اسلامی |
| ۳۳ | مبحث دوم: حق بر بهداشت در اسناد بین المللی |
| ۳۳ | گفتار اول: اسناد جهانی |
| ۳۸ | گفتار دوم: اسناد منطقه‌ای |
| | فصل سوم: حمایت‌های ویژه از کودک در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی |
| ۴۲ | مبحث اول: حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه در اسلام |
| ۴۴ | گفتار اول: مستندات قرآنی و تفسیری |
| ۴۵ | |

| | |
|---|------------|
| گفتار دوم: مستندات روایی | ۴۵ |
| گفتار سوم: مستندات فقهی | ۴۸ |
| گفتار چهارم: اسناد مصوب کشورهای اسلامی | ۴۹ |
| مبحث دوم: حمایت از حق حیات کودک در مخاصمات مسلحانه در اسناد بین‌المللی | ۵۲ |
| گفتار اول: معاهدات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (یا حقوق ژنو) | ۵۲ |
| گفتار دوم: معاهدات حقوق بشر بین‌المللی | ۶۴ |
| گفتار سوم: معیارهای حقوق بین‌الملل کیفری | ۹۱ |
| گفتار چهارم: سایر اقدامات سازمان ملل متحد | ۱۰۳ |
| گفتار پنجم- ممنوعیت مشارکت کودکان در مخاصمات مسلحانه در اسناد سازمان بین‌المللی کار | ۱۱۴ |
| خلاصه بخش اول | ۱۱۷ |
| بخش دوم: سلب حق حیات کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی | ۱۲۰ |
| فصل اول: سقط جنین از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی | ۱۲۰ |
| مبحث اول: سقط جنین در اسلام | ۱۲۱ |
| گفتار اول: مستندات قرآنی و تفسیری | ۱۲۲ |
| گفتار دوم: مستندات روایی | ۱۲۳ |
| گفتار سوم: مستندات فقهی | ۱۲۵ |
| گفتار چهارم: اسناد مصوب کشورهای اسلامی | ۱۴۴ |
| مبحث دوم: سقط جنین در اسناد بین‌المللی | ۱۴۸ |
| گفتار اول: معاهدات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی | ۱۴۸ |
| گفتار دوم: معاهدات حقوق بشر بین‌المللی | ۱۵۰ |
| فصل دوم: اعدام کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی | ۱۶۳ |
| مبحث اول: اعدام کودک در اسلام | ۱۶۵ |
| گفتار اول: عدم مسئولیت کیفری کودک در اسلام | ۱۶۹ |
| گفتار دوم: سن مسئولیت کیفری کودک در اسلام | ۱۷۱ |
| گفتار سوم: اسناد مصوب کشورهای اسلامی | ۱۷۷ |
| مبحث دوم: اعدام کودک در اسناد بین‌المللی | ۱۷۹ |
| گفتار اول: معاهدات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی | ۱۷۹ |
| گفتار دوم: معاهدات حقوق بشر بین‌المللی | ۱۸۰ |
| گفتار سوم: اقدامات نهادهای بین‌دولتی | ۱۹۰ |
| گفتار چهارم: سن مسئولیت کیفری کودک در اسناد بین‌المللی | ۱۹۳ |
| خلاصه بخش دوم | ۱۹۵ |

| | |
|-----|--------------------|
| ۱۹۸ | نتیجه گیری |
| ۲۰۱ | فهرست منابع |
| ۲۰۱ | الف- منابع فارسی |
| ۲۰۷ | ب- منابع عربی |
| ۲۰۹ | ج- منابع انگلیسی |
| ۲۲۰ | فهرست تفصیلی مطالب |

علائم اختصاری

| | |
|--------|---|
| ASEAN | Association of South East Asian Nations |
| CRC | Committee on the Rights of the Child |
| CESCR | Committee on Economic, Social and Cultural Rights |
| DDR | Disarmament, Demobilization and Reintegration |
| DPKO | Department of Peacekeeping Operations |
| EHRR | European Human Rights Reports |
| FAO | Food and Agriculture Organization |
| ICC | International Criminal Court |
| ICRC | International Committee Of The Red Cross |
| ILO | International Labour Organization |
| OAU | Organization of African Unity |
| OIC | Organization of the Islamic Conference |
| UNDP | United Nations Development Programme |
| UNGAOR | United Nations General Assembly Official Records |
| UNICEF | United Nations Children's Fund |
| UNIDIR | United Nations Institute for Disarmament Research |
| WHO | World Health Organization |

مقدمه

الف- تبیین مسئله

توجه به حقوق کودکان و این اندیشه که کودک بایستی از حقوق خاص و متناسب با شرایط خود برخوردار شود و ورود آن به عرصه بین‌المللی، به عصر روشنگری (قرن هجدهم) بر می‌گردد.^۱ این طرز تفکر از آن‌جا ناشی گردید که در طی سالیان متمادی، کودکان قربانی فقر، سیاست‌های غلط اقتصادی و مخاصمات مسلحانه می‌شدند و حقوق آنان در معرض مخاطره قرار می‌گرفت. در نیمه دوم قرن بیستم تحول کاملاً تازه‌ای به وقوع پیوست و ماهیت نظری حقوق بشر به ماهیت عملی خود نزدیک گردید. در این دوره حقوق بشر با بازکردن راه برای ملاحظات بین‌المللی، فرد را به سطح دولت ارتقا داد و حقوق بین‌الملل را بر آن داشت که فرد را به عنوان دارنده حق، در قلمرو خود راه دهد. از یک سو، دولت متبوع فرد و نفس تابعیت تکالیفی را بر فرد تحمیل می‌کند و از سوی دیگر فرد حقوقی دارد و دولت مکلف به رعایت آن است. از آنجا که حقوق بشر با حقوق کودکان آغاز می‌شود، حقوق کودک بیشتر مورد توجه قرار گرفت و در اسناد مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی درج گردید. این در حالی است که دین مبین اسلام چهارده قرن پیش، به حقوق کودکان توجه ویژه‌ای کرده و احکام و مقرراتی را در زمینه حمایت از حقوق کودکان مقرر نموده است. از میان این حقوق، آنچه نخستین حق بشری کودک محسوب می‌گردد، حق حیات است که سایر حقوق متفرع بر آن بوده و بدون وجود این حق معنا و مفهومی نخواهند داشت. حق حیات موهبتی است که خداوند آن را به بشر ارزانی داشته و از لحظه انعقاد نطفه این حق انسانی را برقرار نموده است. پس هیچ حکومتی نه تنها نمی‌تواند این حق را سلب کند یا آسیبی به جسم و روح او وارد آورد، بلکه موظف است که زندگی و حیات اتباع خود را با وضع قوانین مناسب و پای‌بندی به این اصول و مقررات از هر آسیب و گزند مصون دارد.

حق حیات به عنوان اولین و بنیادی‌ترین حق بشر فصل آغازین کتب حقوق بشر در تمام نظام‌های حقوق بشری را تشکیل می‌دهد. این حق نخستین بار در سال ۱۹۴۸ بواسطه اولین سند بین‌المللی حقوق بشر، با نام اعلامیه جهانی حقوق بشر (در قالب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد) به جامعه بین‌المللی معرفی شد.

ماده ۳ اعلامیه مقرر می‌دارد: «هر انسانی دارای حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی است». تعبیر «حق حیات» در این قطعنامه مجمع عمومی ره‌آوردی بدیع و نو بود، نه به خاطر آن که آدمکشی را قبیح و ممنوع می‌دانست، که این امری مسلم نزد انسان‌ها بود، بلکه بدان علت که

^۱. گیاکوپلی، «وضعیت حقوقی طفل در حقوق مدنی فرانسه»، *حقوق کودک (مجموعه مقالات)* مرکز و کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی، (مترجم: علی نجفی توانا)، ۱، (تهران: سنا، ۱۳۸۸): ۶۰.

اولاً، قبح و منع آدمکشی را ناشی از تجاوز به حق دیگران خواند، نه سرپیچی از فرمان پادشاه یا قانون و ثانیاً، بشر را از آن جهت که بشر است، مستحق چنین حقی دانست.^۱

اعلامیه جهانی حقوق بشر هر چند فی نفسه به دلیل اعلامیه بودن سندی الزام‌آور تلقی نمی‌شود، اما الگویی برای تلاش‌های آتی جهت تدوین قواعد مربوطه گردید. در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶، حق حیات در زمره حقوق لازم‌الرعایه و در حقیقت به عنوان اولین و بنیادی‌ترین آنها مورد شناسایی واقع شد.

ماده ۶ میثاق در بند ۱ بیان می‌دارد: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محروم کرد».

میثاق بدون تعریف صریحی از این حق، بر منع محرومیت خودسرانه انسان از حیاتش تأکید می‌نماید. این الزام، بعد منفی حق حیات یعنی الزام به ترک و اجتناب از انجام فعل، را به ذهن متبادر می‌سازد. اما کمیته حقوق بشر در نظریه‌ی تفسیری خود از حق حیات، درک و دریافت صحیح از این حق را، به تفسیر موسع آن منوط دانست و نگاه تک بعدی به آن را نهبی نمود. در این ارتباط کمیته مطرح می‌کند که برای دولت‌های عضو مطلوب خواهد بود که تمام اقدامات مناسب را برای کاهش مرگ و میر نوزادان و افزایش امید به زندگی، بویژه در اتخاذ اقداماتی برای امحاء سوء تغذیه و بیماری‌های واگیردار انجام دهند.

علاوه بر این کمیته نه تنها حق حیات را به عنوان اساسی‌ترین حقوق نشان می‌دهد، بلکه مقرر کرده است که حق حیات «برترین» حقی است که حتی در شرایط اضطراری هم اجازه بطلان آن داده نمی‌شود.

بی‌شک کودک نیز، انسان است که حق حیات، ذاتی اوست. بنابراین اگر در آموزه‌های دینی برای حیات بشر ارزش و احترام خاصی قائل شده‌اند و یا در اسناد حقوق بشری، حق حیات را ذاتی شخص انسان دانسته‌اند، شامل کودک نیز می‌گردد.

اهمیت این حق سبب شده کنوانسیون حقوق کودک هم آن را به مورد شناسایی قرار دهد و مقدم بر سایر حقوق کودک ذکر نماید. ماده ۶ کنوانسیون در بند ۱ مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، حق ذاتی تمام کودکان برای زندگی را به رسمیت می‌شناسد».

عبارت این ماده از اولین جمله بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی گرفته شده است. همانند نوشتار آن، حق حیات تنها حقی از کودک به موجب کنوانسیون است که دارای وصف «ذاتی» می‌باشد. بنابراین به موجب نظریه تفسیری کمیته نباید توسط دولت‌ها به گونه‌ای محدود تفسیر شود.

^۱ شادی نیکنام، «حق حیات در نظام حقوق اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران، (۱۳۸۲): ۱؛ مصطفی محقق داماد، «مبانی فلسفی حق حیات در نظام حقوقی اسلام»، مجله دانشنامه - فصلنامه دانشگاه شهید بهشتی، سال اول، ۱ (زمستان/۸۱): ۱۵.

لذا دولت‌های عضو باید ضمن آن که اقداماتی را برای جلوگیری و مجازات محروم‌کنندگان حیات از کودک با وضع مقررات کیفری اتخاذ می‌کنند، مانع قتل‌های خودسرانه توسط نیروهای امنیتی خود شوند و اعمال مجازات اعدام بر کودک را ممنوع نمایند، همانگونه که ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک و دیگر مواد معاهدات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بر ممنوعیت آن تصریح نموده‌اند. مضافاً این که باید اقدامات مثبتی را در جهت تأمین سلامت و مراقبت‌های بهداشتی ضروری، مقابله با بیماری‌های واگیردار و سوء تغذیه به انجام رسانند، چرا که این امور دارای پیوند نزدیک و تنگاتنگی با حفظ و صیانت از حق حیات کودک می‌باشد.

با تمام این‌ها متأسفانه در جوامع امروزی یکی از مهمترین عواملی که این حق طبیعی و ذاتی را برای کودکان با مخاطره رو به رو می‌نماید، قربانی شدن کودکان در مناقشات نظامی و سیاسی کشورهاست. جنگ و دیگر اعمال خشونت‌آمیز موجب از بین رفتن جان هزاران نفر در سراسر جهان می‌گردد. به همین جهت منشور سازمان ملل متحد، تهدید یا توسل به زور هر دولتی علیه دولت دیگر را جز در مورد حق ذاتی دفاع از خود، ممنوع ساخته و صلح و امنیت بین‌المللی را مهمترین شرط ضمانت پاسداری از حق حیات می‌داند.^۱

حق حیات از سوی تمامی ادیان و قوانین بشری به رسمیت کامل شناخته شده است، اما از آن جایی که نحوه نگرش آنها به خود پدیده حیات متفاوت است، سوء تفاهم‌ها و سوء برداشت‌هایی را در این زمینه ایجاد نموده که منجر شده دیدگاه این نظام‌ها در مواردی ظاهراً متفاوت به چشم آید و برخی افراد قدرت طلب از این امور به ظاهر متفاوت و گاهی متعارض در راستای اهداف غیرانسانی خود سود برند که این خود می‌تواند بزرگترین تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

از این رو در این تحقیق سعی شده است به تبیین جایگاه حق حیات کودک در دو نظام حقوقی اسلام و مفاد اسناد بین‌المللی پرداخته شود تا مشخص گردد که فی الواقع نقاط افتراقی میان دیدگاه این دو در رابطه با حمایت و صیانت از حق حیات کودک وجود دارد یا تنها در مواردی سوء برداشت‌ها و ابهاماتی مطرح است که قابل رفع می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان نمود که نوشتار حاضر در پی پاسخ به سؤالات ذیل می‌باشد.

^۱ احمدرضا توحیدی، «تحلیل کنوانسیون حقوق کودک در پرتو جهان شمولی حقوق بشر»، *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق سابق)*، سال هشتم، ۳۱ (پاییز/ ۱۳۸۲): ۱۳۲.

ب- سوالات تحقیق

پرسش اصلی

به چه میزان از حق حیات کودک در نظام حقوقی اسلام و اسناد بین‌المللی حمایت شده است؟

پرسش‌های فرعی

۱. چه حقوقی با حق حیات کودک ملازمه و پیوند دارند؟
۲. چه نقاط افتراق و اشتراکی میان دیدگاه دین اسلام و اسناد بین‌المللی در رابطه با منع اعدام کودکان زیر ۱۸ سال وجود دارد؟

ج- فروض حاکم بر تحقیق

۱. حق حیات مهمترین حق طبیعی هر انسانی بویژه کودک است. این حق پایه و اساس تمام حقوق بشری به شمار می‌رود، از این سان هر گونه تعرض به آن نقض صریح حقوق بنیادین بشر محسوب می‌گردد. حق حیات توسط ادیان مختلف از جمله دین مقدس اسلام و قوانین بشری به رسمیت شناخته شده است؛ لذا نه تنها بر ممنوعیت سلب آن تأکید شده، بلکه احکام و مقررات حمایتی نیز برای حفظ و صیانت از آن مقرر گردیده است.
۲. عقل و شرع دارای تلازم می‌باشند. با استنباط از آموزه‌های دینی می‌توان دریافت که بشر از طریق تعقل صحیح می‌تواند به سعادت رسد. عقل قادر است احکام را مستقلاً و از طریق غیر نقل دریابد و خود طریقی برای معرفت احکام باشد. حق دخالت عقل از آنجا پیدا شده که مقررات اسلامی با واقعیت‌های زندگی سروکار دارند و اسلام برای تعلیمات خود رمزهای مجهول لاینحل آسمانی قائل نشده است. پس هر آنچه را عقل حکم می‌نماید، شرع هم بر آن حکم می‌کند و از آنجا که احکامی که از ناحیه شرع مقدس صادر گردیده، همگی بر طبق جلب مصالح و دفع مفساد است، آنچه در شریعت نیز آمده، مبنای عقلانی دارد. بدین جهت قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» از مسلمات قواعد و اصول مسلمانان می‌باشد. در این راستا چنانچه عقلاً حکم بر درستی یا نادرستی اقدامی نمایند، مسلماً این حکم عقلی، شرعی نیز محسوب می‌گردد.

۳. ضرورت اجتهاد، یعنی انطباق احکام دین با مقتضیات زمان به خوبی احساس می‌گردد. گفتمان دینی پیامبر اسلام بر چهار ساحت عقلانی، عدالت گرایانه، رحمت گرایانه و واقع گرایانه استوار بوده است. از این رو قطعاً واقعیت‌های جاری عصر تشریح، در صدور احکام و موازین اسلامی نقش مهمی را ایفا نموده است، چرا که شریعت بدون رعایت این نکته، نه مورد

پذیرش مخاطبان عصری که در آن تکون می‌یابد، قرار می‌گیرد و نه قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای عصر خود می‌باشد.

گشودن باب اجتهاد در اسلام برای آن است که فقیهان با ملاحظه‌ی زمان و مکان و مقتضیات عصر، از یک سو، و توجه به ایده‌های کلی دین از سوی دیگر به نیازهای عصر حاضر پاسخ گویند. لذا در رابطه با مسائلی چون اعدام کودکان کار فقیه آن است که عواطف تحول یافته‌ی عصر حاضر را در نظر گرفته و با استمداد از لایه‌های زیرین شریعت و اصول و مبانی آن، همگام با اسناد بین‌المللی حقوق بشر، احکام حمایتی مناسبی را در راستای منع اعدام کودکان زیر ۱۸ سال مقرر دارد.

د-اهداف و ضرورت انجام تحقیق

اهمیت دوران کودکی بر هیچ کس پوشیده نیست. کودک به دلیل شرایط جسمی و روحی خود، همواره نیازمند مراقبت‌های تربیتی و بهداشتی خاص می‌باشد. امروزه حقوق کودکان هم در کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای صنعتی به عناوین و اشکال مختلف نقض می‌شود. بنیادین‌ترین حق کودک، حق حیات است که تجاوز به این حق و نقض آن هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد و روز به روز بر آمار آن افزوده می‌گردد. با امان نظر به چنین وضعیتی، ضرورت تحقیقی جامع برای تشریح و تبیین جایگاه حق حیات کودکان در اسناد بین‌المللی، با توجه به رویکرد حمایتی که دارند و در نظام حقوقی اسلام به عنوان نظام حقوقی حاکم بر کشور ایران و سایر کشورهای مسلمان به خوبی احساس می‌گردد. بدان امید که با جمع آوری اسناد و منابع مربوطه، افکار پژوهشگران حقوق اسلامی و حقوق بشر و نیز قانونگذاران را بر اهمیت امر جلب نموده و بتوان به واسطه آنها جهت ارتقا شخصیت سالم کودکان به عنوان آینده‌سازان جامعه و حفظ و صیانت از حقوق بنیادین آنان تلاش بیشتری را مبدول داشت.

ه-سابقه و پیشینه مطالعاتی تحقیق

پیرامون حقوق کودک چه در داخل و چه در خارج از کشور تحقیقات متعددی صورت گرفته است. در این قسمت به منظور مشخص نمودن آثار علمی که به نوعی با موضوع رساله مرتبط هستند، این منابع را بررسی نموده که مهمترین آنها اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله به زبان فارسی و انگلیسی به شرح ذیل است:

منابع داخلی:

(۱) کتاب «حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام»، نوشته مجید وزیری، شرکت چاپ و

نشر بین‌الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.

۲) کتاب «میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر دوستانه بین‌المللی»، نوشته دکتر نسرين مصفا و زهرا داور، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۱.

۳) کتاب «حقوق کودک»، نوشته غلامرضا پیوندی، انتشارات سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۴) کتاب «موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، مقارنه تفصیله بین مذهب الامامیه و المذهب الاخری»، نوشته محمدجواد فاضل لنکرانی و همکاران، انتشارات مرکز فقه الائمه الاطهار، ۱۳۸۳.

۵) مقاله «جلوه‌های حمایت از حیات کودکان»، نوشته دکتر ناصر قربان‌نیا، مجله نامه مفید، ۱۳۸۸.

۶) مقاله «قواعد بین‌المللی حاکم بر سرباز»، نوشته مجتبی بابایی، مجموعه مقالات همایش نهضت صلیب سرخ و هلال احمر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، ۱۳۸۵.

۷) پایان‌نامه «حمایت بین‌المللی از کودکان گرفتار در مخاصمات مسلحانه»، نوشته فریبا جعفری کجور، دانشگاه مفید قم، ۱۳۸۶.

۸) پایان‌نامه «حق حیات در نظام حقوق اسلام»، نوشته شادی نیک‌نام، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

منابع خارجی:

1) Book: "Implementation Handbook for the convention on the rights of the child", Writers: Rachel Hodgkin; Peter Newell, UNICEF, 2007.

2) Article: "The abolition of the death penalty in international law", Writer: William A. Schabas, Cambridge university press, 1993.

و سایر منابع که در فهرست ذکر شده است.

اما در مورد حق حیات کودک و ابعاد مختلف آن، آن هم با نگاهی تطبیقی بین نظام حقوقی اسلام و اسناد بین‌المللی کار پژوهشی منظم و دقیقی در این خصوص انجام نشده است و کتاب و پایان‌نامه‌ای هم در این زمینه وجود ندارد.

و- روش انجام تحقیق

در این پژوهش سعی شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه کتب، مقالات، اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی، برخی پرونده‌های مطروحه و کنکاشی در آمارها، به توصیف و تحلیل محتوا و بیان ویژگی‌ها و جزئیات موضوع مورد بررسی پرداخته شود. از این‌رو، روشی که در این رساله به کار گرفته شده است، روشی توصیفی - تحلیلی است.

ز- ساختار کلی تحقیق

حمایت از حق حیات کودک دارای جلوه‌های گوناگونی است. از یک سو حمایت جامع و همه جانبه از کودک باید با اقدامات مثبت دولت‌ها در زمینه حقوق مرتبط با حق حیات کودک - حقوقی که شناسایی آن‌ها لازمه‌ی صیانت از حق حیات کودک است - تأمین شده تلقی شود و از سویی دیگر نه تنها خودسرانه سلب حق صورت نگیرد، بلکه موانعی برای سلب حق حیات کودک منظور گردد. به گونه‌ای که با تسری دامنه کودکی به قبل از تولد، اسقاط عمدی جنین و در دوران کودکی، اعدام کودک به صراحت ممنوع شود.

بر این اساس، پژوهش به طور کلی به دو بخش تقسیم شده است.

بخش اول به حقوق مرتبط با حق حیات کودک اختصاص یافته است که اهم آن‌ها در سه مورد بررسی خواهد شد. مورد اول بررسی حق بر آزادی از گرسنگی و تأمین حداقل‌های معیشتی حمایتی، مورد دوم حق بر بهداشت و مورد سوم مقررات حمایتی ویژه برای کودکان در وضعیت مخاصمات مسلحانه می‌باشد. در هر یکی از این سه مورد به تفکیک مستندات قرآنی و روایی به دلیل آن که نقش اصلی در فهم احکام الهی را دارا می‌باشند و دیدگاه فقهای اسلامی اعم از شیعه و سنی و و مفاد اسناد بین‌المللی منطقه ای و جهانی به ترتیب تاریخ تصویب مورد بررسی قرار گرفته است تا تعهدات دولت‌ها در راستای حمایت از حق حیات کودک بیش از پیش آشکار گردد. بخش دوم در رابطه با سالبه‌های حق حیات کودک و ذکر ممنوعیت آن‌ها می‌باشد. لذا در دو مورد؛ مورد اول سقط جنین و مورد دوم اعدام کودک، دیدگاه اسلام و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است و سعی شده در حد بضاعت نگارنده، نقاط افتراق شکافته شود و ابهامات و در نتیجه سوء تفاهم‌ها و سوء برداشت‌های موجود رفع گردد.

**بخش اول: حقوق مرتبط با حق حیات کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین
المللی**

بخش اول: حقوق مرتبط با حق حیات کودک از دیدگاه اسلام و اسناد بین المللی

حق حیات حقی نیست که تنها با منع قتل و مقابله تقنینی دولت‌ها با آن تضمین گردد. بلکه برای تحقق حق حیات انسان بویژه حق حیات کودک دولت‌ها به عنوان متعهد اصلی مکلفند اقدامات مثبتی را برای تامین حق حیات چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ به انجام رسانند. لذا در این بخش از منظر دین اسلام و اسناد بین المللی در فصل اول و دوم به حقوقی اشاره می‌شود که پیوند نزدیکی با حق حیات دارند و بدون تامین آنها بهره‌مندی کامل از حق حیات ممکن نیست. این حقوق شامل حق بر رهایی از گرسنگی و تامین حداقل‌های معیشتی حمایتی و حق بر بهداشت می‌گردد. فصل سوم نیز بر بیان لزوم تامین حقوق مرتبط با حق حیات کودک در زمان جنگ اختصاص یافته است.

فصل اول: حق بر رهایی از گرسنگی و تامین حداقل‌های معیشتی کودک از دیدگاه

اسلام و اسناد بین المللی

ماهیت بنیادین حق بر رهایی از گرسنگی^۱ به ارتباط و همبستگی آن با ادامه‌ی حیات و بقا بر می‌گردد. در این معنی این حق را می‌توان از حق بر «غذای کافی»^۲ متمایز کرد که از نیازهای اساسی فراتر می‌رود. در واقع کافی بودن را نه تنها با آنچه برای بقا لازم است بلکه باید با سلامتی فرد یا توانایی او در دنبال کردن یک زندگی فعال و متعارف نیز مورد سنجش قرار داد.^۳

به عبارتی حق بر غذای کافی را به معنای غذای مناسبی دانسته‌اند که قابل دسترسی و قابل وصول است و تنها شامل مصرف حداقلی از کالری، پروتئین و سایر مواد غذایی نیست، بلکه حق بر تمام عناصر تغذیه‌ای است که یک فرد برای زندگی سالم و فعال بدان نیازمند است و باید در دسترس باشند.^۴

پس آنچه با حیات انسان مرتبط است، حق بر رهایی از گرسنگی است که بر آزادی از مرگ ناشی از گرسنگی یا تامین نیازهای اساسی ضروری برای ادامه حیات دلالت دارد. گرسنگی و سوء تغذیه هر دو از عواقب ناشی از فقدان دسترسی به غذای کافی هستند. لذا یکی از اقدامات مهم برای حفظ حیات کودکان، بهره‌مندی آنان از حداقل سطوح معیشت می‌باشد. بویژه آن که کودکان برای رشد جسمی و روحی خود نیاز مبرمی به مواد غذایی کافی و مناسب دارند و در برابر فقدان مواد غذایی اساسی (سوء تغذیه)^۵ بسیار آسیب‌پذیر هستند.

^۱. Freedom From Hunger.

^۲. Adequate Food.

^۳. متیوسی. آر. کریون، چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، (مترجم: محمد حبیبی مجنده)، ۱، (قم: سازمان انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۷): ۳۸۶.

^۴. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, *The Right to Adequate Food – Fact Sheet No. 34*, (Geneva: United Nations, 2010): 2.

^۵. Malnutrition.

سوء تغذیه از جمله در دوران بارداری نه تنها منجر به مرگ و میر کودکان می‌گردد، بلکه همچنین دارای عواقب طولانی مدت از قبیل اختلال جسمی و روانی، بیماری‌های مزمن، ضعف سیستم ایمنی و بهداشت باروری می‌باشد. در حالی که تصور می‌شود مرگ و میرها در زمان قحطی و مخاصمات مسلحانه رخ می‌دهد، واقعیت آن است که تنها ۱۰ درصد از این مرگ و میرها ناشی از مخاصمات مسلحانه، فجایع طبیعی یا شرایط آب و هوایی استثنایی است و ۹۰ درصد قربانی فقدان شدید و طولانی مدت دسترسی به غذای کافی هستند. مطابق گزارش سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد تقریباً شش میلیون کودک هر سال از سوء تغذیه یا بیماری‌های مرتبط جان خود را از دست می‌دهند. این در حالی است که حدود نیمی از این مرگ و میرها قابل پیشگیری هستند.^۱

لذا آنچه در وادی امر مهم به نظر می‌رسد آن است که بررسی شود که دین مبین اسلام چه توصیه‌ها و دستوراتی را برای تغذیه کودک در راستای حمایت از حق حیات وی بیان نموده و اینکه اسناد بین‌المللی چه تعهداتی را برای دولت‌ها، در رابطه با تأمین حداقل‌های معیشتی حمایتی مقرر کرده است.

مبحث اول: حق تغذیه کودک در اسلام

یکی از حقوقی که پیوند نزدیکی با حق حیات کودک دارد، حق بر تغذیه است. از دیدگاه اسلام، شروع دوران کودکی، از دوران بارداری است و حق حیات برای جنین از زمان انعقاد نطفه به رسمیت شناخته می‌شود.

بنابراین برخی حقوق مرتبط با حق حیات مانند حق تغذیه به دوران جنینی نیز تسری می‌یابد.

در این راستا دین اسلام نه تنها مقرراتی را در قالب حقوقی چون رضاع و حق نفقه برای تأمین تغذیه کودک تولد یافته تعیین نموده، بلکه در جهت حمایت از کودک متولد نشده در باره تغذیه مادر در دوران بارداری نیز توصیه‌هایی نموده و حق نفقه را پیش‌بینی کرده است. بنابراین شایسته است که ابتدائاً به احکام مرتبط با جنین پرداخته شود و سپس حقوق کودک تولد یافته در این زمینه مورد بررسی واقع شود.

گفتار اول: حق نفقه

نفقه شامل تأمین تمام امور ضروری برای کودک از جمله اجرت شیرخوارگی و تهیه خوراک می‌شود. بنابراین می‌توان ذیل حق بر تغذیه کودک آن را بررسی و احکام اسلام را در این زمینه مشخص نمود.

^۱. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, op.cit: 1.

بند اول - حق نفقه جنین

وجوب نفقه زن و به تبع آن نفقه جنین در دوران زندگی مشترک، از مسلمات فقه اسلامی است.^۱ به همین دلیل احکام و موازینی در این زمینه مقرر شده است که باید مورد بررسی قرار گیرند.

الف - مستندات فقهی

در رابطه با نفقه زن و به تبع آن نفقه جنین هر یک از فقهای امامیه و فقهای اهل سنت نظراتی را بیان نموده‌اند که بدان‌ها اشاره خواهد شد.

۱ - دیدگاه‌های فقهای امامیه

از دیدگاه فقهای امامیه تأمین هزینه خانواده و از جمله نفقه زن و متعاقب آن جنین بر عهده‌ی مرد می‌باشد، حتی اگر زن متمکن و ثروتمند باشد دو امر را از شرایط وجوب نفقه دانسته‌اند که دائم بودن نکاح و تمکین زوجه می‌باشد. البته زنی که در دوران عده طلاق رجعی به سر می‌برد، از نظر فقهی حکم زوجه را دارد، لذا بسیاری از احکام زوجه از جمله وجوب نفقه بر او مترتب است و از این جهت تفاوتی میان باردار بودن زن که مدت حمل همان عده اوست و باردار نبودن او نیست. این مسئله اجماعی فقهاست و احدی در آن اختلاف نکرده است و مستند آن روایات بسیاری است که در کتب امامیه آمده است.

همچنین در دستورات اسلام، پرداخت نفقه زن در صورت جدایی از شوهر به سبب طلاق باین یا فسخ نکاح در صورت باردار بودن ضروری و لازم است و تا زمان زایمان نفقه‌ی زن بنا بر اتفاق نظر فقهای امامیه بر مرد واجب می‌باشد.^۲

این مطلب از آیه ۶ سوره طلاق به روشنی فهمیده می‌شود:

«همان جا که (خود) سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آن‌ها آسیب (و زیان) نرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند...»^۳

اما در خصوص این که نفقه در زمان عده طلاق بائن متعلق به زن است یا حمل، فقیهان دو نظر دارند. مشهور فقیهان از جمله شیخ طوسی نفقه‌ی مذکور را متعلق به حمل می‌دانند و علت آن را نیز این نکته می‌دانند که لزوم برخوردار بودن زن در دوران عده طلاق بائن، وجود حمل است و اگر باردار نباشد مستحق نفقه نمی‌باشد در نتیجه نفقه متعلق به حمل است.^۴ مضافاً اینکه موجبات نفقه منحصر در زوجیت، قرابت و ملکیت است و چون در اینجا زوجیت وجود ندارد و مالکیت نیز معقول نیست پس قرابت است که موجب نفقه می‌شود.

^۱ مجید وزیری، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی آن، ۱، (تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴): ۱۰۴.

^۲ همان: ۱۰۴.

^۳ «أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...».

^۴ غلامرضا پیوندی، حقوق کودک، ۱، (تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰): ۲۶۴.